

پیشنهادهایی به قانون گذاران:

قوانینی که به منظور اجرای

استانداردهای بین المللی

باید اصلاح یا تصویب شوند



شاهین کرزیر

مشخصی از شرکت‌ها و آن‌هم صرفاً در سطح صورت‌های مالی تلفیقی وجود دارد، اما در آینده‌ی نه چندان دور دامنه‌ی استفاده از این استانداردها گسترش خواهد یافته و گریزی از آن نخواهد بود. چرا که با توجه به وجود استانداردهای حسابداری جداگانه برای شرکت‌های کوچک و متوسط و برخی معافیت‌های تسهیل‌کننده‌ی موجود در گزارشگری مالی آن‌ها که، در عین هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی، گزارشگری آن‌ها را سهل‌الوصول‌تر می‌کند فراگیر شدن استانداردهای حسابداری بین‌المللی در سطح کشور دور از ذهن نخواهد بود. از این رو این مقاله با فرض فراگیر شدن استانداردهای بین‌المللی در سال‌های آتی (و هم‌گرایی بیشتر استانداردهای حسابداری ایران با استانداردهای بین‌المللی) نوشته شده است.

(۱) قانون تجارت

قانون تجارت و اصلاحیه‌ی آن یکی از فرسوده‌ترین قانون‌های کشور است که نیاز به خانه‌تکانی اساسی دارد و این مهم لزوماً خیلی مرتبط با اجرای استانداردهای بین‌المللی نیست. پیش‌نویس اصلاحیه‌ی قانون تجارت به‌رغم اهمیت ویژه‌ی آن، سال‌هاست که مغفول مانده و ظاهراً در مجلس شورای اسلامی خاک می‌خورد و اوضاع فعلی نیز حکایت از ادامه‌ی این روند دارد، بنابراین در اصلاح بخش‌های مرتبط با این قانون که به‌نوعی بر اجرای استانداردهای بین‌المللی اثرگذار خواهد بود باید تعجیل کرد. از آن‌جاکه بررسی اصلاحات مورد نیاز قانون تجارت نیازمند یک بررسی اساسی است و اداکردن حق مطلب در این مقاله امکان‌پذیر نیست، در ادامه صرفاً به برخی موارد مهم و مرتبط اشاره خواهیم کرد.

اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی «استانداردهای بین‌المللی» در سطح کشور نیازمند وجود بستر قانونی مناسب و هماهنگ با این استانداردهاست. فرایند پیاده‌سازی استانداردهای مزبور به گونه‌ای است که مسایل غیر حسابداری زیادی بر آن تأثیرگذار بوده و در پاره‌ای از موارد این اثر به حدی است که صورت‌های مالی را به شدت تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. یکی از مسائل اثرگذار بر اجرای استانداردهای بین‌المللی قوانین و مقررات مختلف است. قانون تجارت و اصلاحیه‌ی آن، قانون مالیات‌های مستقیم، قوانین و مقررات حوزه‌ی بانکی، بیمه‌ی مرکزی و سایر قوانین از جمله موضوعات مهمی است که گستره‌ی تأثیر آن‌ها بر اجرای استانداردهای بین‌المللی در گزارشگری شرکت‌ها و سایر بنگاه‌های اقتصادی غیرقابل‌انکار است. برخی قوانین و مقررات جاری ممکن است در اجرای کامل و مناسب استانداردهای بین‌المللی مشکلاتی به وجود آورد. بنابراین ضرورت بازنگری و در صورت لزوم تعدیل و اصلاح آن‌ها به گونه‌ای که در عین حفظ هدف اصلی قانون‌گذار موانع اجرای مناسب و اثربخش استانداردهای مورد نظر را برطرف کند در این برهه از زمان ضروری به نظر می‌رسد. در قدمی فزاینده‌تر تدوین و تصویب قوانین جدید در برخی حوزه‌ها و موضوعات جدیدالورود نیز شاید ضرورت و نیازی دیگر باشد. بنابراین سؤالی که در این نوشتار هرچند به‌طور خلاصه در پی پاسخ دادن به آن خواهیم بود این است که تصویب چه قوانین و مقرراتی در راستای اجرای این استانداردها لازم است و کدام قوانین نیاز به اصلاح و تعدیل دارند.

در حال حاضر الزام استفاده از استانداردهای بین‌المللی برای طبقه‌ی

۱-۱) تنوع حقوق صاحبان سهام و سایر سودهای جامع

به مرور زمان و با توسعه ابزارهای مالی نوین در ایران و در کنار آن اجرای استانداردهای بین‌المللی مرتبط با آن‌ها، تنوع اجزای تشکیل‌دهنده حقوق صاحبان سهام به واسطه ایجاد مازاد/صرف‌هایی که در صورت سود و زیان جامع شناسایی شده است، افزایش خواهد یافت. از جمله این اقلام می‌توان به قسمت اثربخش سود و زیان ابزارهای مصون‌ساز در مصون‌سازی جریان‌های نقدی، سود و زیان اکچوئری طرح‌های با مزایای معین، سود و زیان حاصل از تسعیر عملیات خارجی و همچنین آن بخش از سود و زیان ابزارهای مالی که باید در سایر سودهای جامع گزارش شوند، اشاره کرد. با توجه به تغییرات شدید و اجتناب‌ناپذیر اقلام مذکور از سالی به سال دیگر، ضروری است الزامات قانونی مقتضی در راستای حفظ منافع سهام‌داران خرد و بالقوه از جمله محدودیت در تقسیم مازاد/صرف‌های فوق‌الاشاره یا منع انتقال آن‌ها به سرمایه در قانون تجارت پی‌بینی شود.

۲-۱) بازنگری ماده‌ی ۱۴۱ اصلاحیه‌ی قانون تجارت

بسیاری از مفاد قانون تجارت بر اساس مقادیری است که از سیستم حسابداری استخراج می‌شود. سود خالص و سود زیان انباشته از مصادیق بارز این موضوع است که در برخی مواد قانون تجارت از آن‌ها استفاده شده است. ماده‌ی ۱۴۱ اصلاحیه‌ی قانون تجارت یکی از بااهمیت‌ترین ماده‌های قانون تجارت است که بر اساس اعداد و ارقام مندرج در صورت‌های مالی وضع شده است. با توجه به این ماده، اگر زیان

به نیمی از سرمایه برسد شرکت باید مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل دهد تا موضوع انحلال یا بقا شرکت را مورد شور و رأی قرار دهد و اگر تصمیم مجمع انحلال نباشد، شرکت باید دست به کاهش سرمایه بزند. در این ماده یک آستانه‌ی ۵۰ درصدی در نظر گرفته شده است. واقعیت این است که سود حسابداری در زمانی که قانون‌گذار این ماده را وضع کرده است با مفهوم سود حسابداری امروزی تفاوت‌های بسیار زیادی کرده است. قانون‌گذار با توجه به تصویر و درکی که از سود در ذهن خود داشته است دست به تدوین قانون زده است. برای مثال، آستانه‌ی ۵۰ درصدی (نسبت زیان انباشته به سرمایه) را با توجه به همان درکی که از سود و زیان در زمان گذشته عرف بوده است، آستانه‌ی معقولی تشخیص داده است. واقعیتی که باید به آن توجه کنیم این است که با گذر زمان و تدوین استانداردهای حسابداری (به جای اصول کلی) و سپس تغییرات مداوم این استانداردها، عوامل مؤثر و دخیل در محاسبه‌ی سود و زیان حسابداری تغییر کرده است.

در واقع استانداردهای حسابداری می‌تواند بر میزان سود و زیان گزارش شده مؤثر باشد. برای مثال، سود و زیان عملکرد یک شرکت مشخص در یک سال معین با دو مجموعه‌ی استانداردهای متفاوت لزوماً یکسان نخواهد بود. بنابراین استانداردهای مختلف به سود و زیان‌های متفاوت منجر می‌شوند. از این رو با حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی، فصل جدیدی در گزارشگری مالی و سود و زیان رقم خواهد خورد.

اگرچه استانداردهای ایران تا به امروز عمدتاً بر اساس استانداردهای بین‌المللی تدوین شده‌اند، اما استفاده از مجموعه‌ی کامل استانداردهای بین‌المللی به احتمال زیاد سود یا زیان خالص شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. تحقق این مهم به چند دلیل محتمل است: الف) برخی از استانداردهای بین‌المللی که آثار سود و زیانی دارند تا به امروز در ایران استفاده نشده‌اند. از جمله استانداردهای مرتبط با ابزارهای مالی و مالیات

بر درآمد. برخی استانداردهای حسابداری با استانداردهای

بین‌المللی قدیمی‌تر هماهنگ بوده و به‌روزرسانی

نشده‌اند. بنابراین در صورتی که از مجموعه‌ی

استانداردهای بین‌المللی استفاده کنیم احتمالاً

سود و زیان‌های متفاوتی گزارش خواهد

شد.^۱ با توجه به توضیحات ارایه‌شده،

مفهوم سود خالص امروزی با سودی که

در زمان قانون‌گذار عرف بوده است و

مبنای قانون‌گذاری شده است تفاوت‌های

بسیار دارد. از این رو به نظر می‌رسد الزامات

ماده‌ی ۱۴۱ اصلاحیه‌ی قانون تجارت و

آستانه‌ی موردنظر قانون‌گذار (در حال حاضر

۵۰ درصد) باید به گونه‌ای تعدیل شود که هدف

اصلی قانون‌گذار از ماده‌ی مزبور با اجرای استانداردهای

بین‌المللی هم‌چنان به قوت خود باقی باشد.

۳-۱) محدودیت در تقسیم برخی سودها

تأثیر به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بر میزان سود و زیان گزارش‌شده‌ی واحدهای تجاری در بخش قبل بیان شد. همان‌طور که گفته شد با حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی انتظار می‌رود. در نتیجه‌ی به‌کارگیری استانداردهای جدید، سود و زیان‌های متفاوتی گزارش می‌شود. در استانداردهای بین‌المللی بیش‌تر از ارزش‌های منصفانه استفاده می‌شود (به‌خصوص در حوزه‌ی ابزارهای مالی) و تغییرات ناشی از آن، حسب مورد در صورت سود یا زیان (یا صورت سود و زیان جامع) منعکس شده و بخش‌هایی که مرتبط با سود یا زیان خالص است در نهایت به سود و زیان انباشته منتقل می‌شود و در نهایت قابل تقسیم خواهند بود. این تغییرات در سود و زیان‌ها به‌ویژه در مواردی که به سود منجر شده



است تا در قانون تجارت دامنه‌ی مسئولیت مدیران و هیأت مدیره و جرایم مربوطه نسبت به قبل افزایش یابد تا نگرانی‌های موجود در زمینه‌ی اراییه‌ی اطلاعات قابل اتکا در صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی توسط مدیران و هیأت مدیره کاهش یابد.

۱-۶) ترکیب تجاری و گزارشگری مالی

امروزه ترکیب‌های تجاری نقش بااهمیتی در دنیای کسب‌وکار دارند. ترکیب‌های تجاری و مجموعه‌ی صورت‌های مالی تلفیقی از جمله مواردی است که باید به متن قانون تجارت اضافه شود. نیاز به تعریف و تبیین ضوابط قانونی مرتبط با ترکیب‌های تجاری و موارد مرتبط با آن از جمله ارائه‌ی تعریف جامع و مانع ضوابط مشخص در ارتباط با مفاهیم گروه، شرکت‌های اصلی، وابسته و فرعی و مفهوم حقوق اقلیت در قانون تجارت به‌طور محسوس وجود دارد. تعاریف مرتبط باید هماهنگ و

همسو با استانداردهای بین‌المللی بر اساس تعریف این استانداردها از مفاهیمی هم‌چون کنترل و نفوذ قابل ملاحظه باشد تا مغایرتی بین قانون تجارت و استانداردهای حسابداری در این حوزه پدیدار نشود. متأسفانه در پیش‌نویس اصلاحیه‌ی قانون تجارت موجود میزان درصد سرمایه‌گذاری ملاک تعریف مفاهیم فوق قرار داده شده است که اولاً به تضاد بزرگی بین قانون تجارت و استانداردهای بین‌المللی منجر می‌شود و ثانیاً به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا با تنظیم درصد سرمایه‌گذاری، استانداردهای حسابداری را زیر پا گذارند. مسئولیت‌های قانونی شرکت مادر نسبت به شرکت‌های فرعی و وابسته از جمله موارد دیگری است که باید به آن پرداخته شود.

۱-۷) معاملات با اشخاص وابسته

مفساد و الزامات مقرر در ماده‌ی ۱۲۹ اصلاحیه‌ی قانون تجارت که به بخشی از معاملات با اشخاص وابسته می‌پردازد یکی از مؤثرترین ماده‌های قانون تجارت بر گزارشگری مالی است، اهمیت این ماده‌ی قانونی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری و سایر گروه‌های بزرگ تجاری در فضای این روزهای بازار سرمایه ایران بیش از قبل افزایش یافته است. افشای اطلاعات معاملات با اشخاص وابسته به دلیل اهمیت‌اش، موضوع استاندارد حسابداری بین‌المللی ۲۴ است. در صورت فراگیرشدن استانداردهای بین‌المللی در سنوات آتی، شایسته است این ماده‌ی قانونی و مؤثر در جهت هماهنگی بیشتر با استانداردهای بین‌المللی به روزرسانی شود.

موجب افزایش انتظارات سهام‌داران می‌شود و از آن‌جا که سودهای مورد بحث از نقدشوندگی بالایی برخوردار نبوده و قابلیت تقسیم ندارند، احتمالاً مشکلاتی در ارتباط با تقسیم سود برای شرکت‌ها در مجامع عمومی به وجود خواهد آمد. از این‌رو پیشنهاد می‌شود با توجه به قدرت فراوانی که قانون فعلی به مجمع در تقسیم سود اعطا کرده است، در مواردی که سود و زیان‌های ناشی از استفاده از ارزش‌های منصفانه، در سود و زیان دوره منعکس و در نهایت به سود و زیان انباشته منتقل می‌شوند، مواد قانونی تصویب شود که در تقسیم این گونه سودها محدودیت به وجود آید و این سودها تا زمانی که به ورود وجه نقد (ناشی از معاملات واقعی) نینجامند، تقسیم نشوند. این محدودیت از طریق انتقال این بخش از سودها به اندوخته‌های غیرقابل تقسیم قابل اعمال است. تقسیم این گونه سودها می‌تواند به تضعیف توان و بنیه‌ی مالی شرکت‌ها منجر شود. بنابراین توجه به این مطلب از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱-۸) حداقل سود قابل تقسیم و اندوخته‌ی قانونی

با توجه به مفاد ماده‌ی ۹۰ اصلاحیه‌ی قانون تجارت، تقسیم حداقل ۱۰ درصد از سود ویژه‌ی سالانه در صورت وجود منافع بین سهام‌داران الزامی است. هم‌چنین مطابق با ماده‌ی ۱۴۰ همان قانون، هیأت مدیره مکلف است سالانه یک‌بیستم سود خالص را به عنوان اندوخته‌ی قانونی کنار بگذارد. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، قانون‌گذار در این دو ماده نیز بر اساس اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی قانون را وضع کرده است. با توجه به تأثیر احتمالی استانداردهای بین‌المللی بر میزان سود و زیان شرکت‌ها که در بخش‌های قبل تشریح شد، به نظر می‌رسد الزامات مواد ۹۰ و ۱۴۰ اصلاحیه‌ی قانون تجارت و درصد و نسبت مندرج در این دو ماده باید به گونه‌ای تعدیل شود که هدف اصلی قانون‌گذار از مواد مزبور با اجرای استانداردهای بین‌المللی هم‌چنان به قوت خود باقی باشد.

۱-۵) افزایش دامنه‌ی مسئولیت مدیران و هیأت مدیره در قبال اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی

سهام قضاوت و برآورد در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بسیار بالاتر از مجموعه‌ی استانداردهای حسابداری دیگر است. یکی از نگرانی‌های موجود در مورد استفاده از این استانداردها سوءاستفاده‌های مدیریت و هیأت مدیره از استانداردهای قضاوت محور است. بنابراین نیاز



۸-۱) قوانین مرتبط با ابزارهای مالی

با توجه به توسعه بازارهای مالی ایران در حال حاضر و رشد آن در سال‌های آتی و هم‌چنین با توجه به حضور قریب الوقوع سرمایه‌گذاران خارجی یقیناً تنوع ابزارهای مالی و گستره‌ی کاربرد آن به تدریج بیش‌تر خواهد شد. در این میان، ابزارهای مالی مصون‌ساز مثل اوراق مشتقه و ابزارهای مالی اسلامی جایگاه ویژه‌ای خواهند داشت که شایسته است در قانون تجارت به رعایت کامل قوانین مرتبط با ابزارهای مالی و بازار سرمایه و هم‌چنین دستورالعمل‌ها و مقررات اجرایی سازمان بورس و اوراق بهادار اشاره شود.

۹-۱) قوانین بازدارنده برای تعدیلات سنواتی

آثار مخرب برخی ثبت‌های حسابداری مرتبط با تعدیلات سنواتی بر صورت‌های مالی و جابه‌جایی منافع ناشی از آن ممکن است بر سرمایه‌گذاران خارجی و اعتماد آنان تأثیر منفی بگذارد. بنابراین نگارنده معتقد است برای برخی موارد مرتبط با تعدیلات سنواتی بهتر است تمهیدات کنترلی، محدودکننده و بازدارنده‌ای اندیشیده شود تا به کاهش این پدیده در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی منجر شود. البته بدیهی است تمهیدات مزبور باید با ملحوظ کردن برخی تعدیلات سنواتی اجتناب‌ناپذیر تدوین و اعمال شود.

۱۰-۱) صورت‌های مالی اساسی و

یادداشت‌های همراه

در بخش‌های مختلف قانون تجارت فقط به دو صورت ترازنامه و صورت سود و زیان اشاره شده است. شایسته است در متن این قانون نام صورت جریان وجوه نقد، صورت تغییرات در حقوق مالکانه (صاحبان سهام)، صورت سود و زیان جامع و یادداشت‌های همراه نیز ذکر شود. هم‌چنین صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای (استاندارد ۳۴ بین‌المللی و ۲۲ ایران) و پیش‌بینی سود نیز باید مورد اشاره قرار گیرد.

۱۱-۱) پرداخت‌های مبتنی بر سهام^۲ - استاندارد بین‌المللی

شماره ۲

مدیران و هیأت مدیره حقوق و مزایا از جمله پاداش عملکرد خود را به شیوه‌های متفاوتی دریافت می‌کنند. این پاداش می‌تواند بر اساس درصدی از سود خالص (یا سود عملیاتی و ...) شرکت یا بر اساس مبانی دیگری هم‌چون قیمت سهام شرکت‌ها باشد. هم‌چنین طرق پرداخت و اعطای این پاداش می‌تواند به صورت ابزارهای مالی هم‌چون ابزارهای مشتقه مانند برگه‌ی اختیار خرید سهام باشد. اما در کشور ما طبق ماده‌ی ۲۴۱ اصلاحیه‌ی

قانون تجارت نسبت معینی از سود خالص شرکت به منظور پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته می‌شود. این پاداش نباید از درصد معینی از سود تقسیمی در همان سال (بسته به نوع شرکت سهامی) بیش‌تر باشد. با توجه به اهمیت و تأثیر پاداش مدیران و هیأت مدیره بر عملکرد شرکت، به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که قانون تجارت با قراردادهای نوین جبران خدمات مدیران و هیأت مدیره هماهنگ و به‌روز شود. پرداخت‌های مبتنی بر سهام به مدیران و کارکنان موضوع استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۲ است که تا حد زیادی با موضوع مورد بحث هم‌خوانی دارد.

در پایان این بخش ذکر این نکته ضروری است که اگرچه عمده‌ی تمرکز نگارنده در این بخش بر اصلاحیه‌ی قانون تجارت با موضوعیت شرکت‌های سهامی است، اما باید در نظر داشت که اجرای استانداردهای بین‌المللی در مورد کلیه‌ی شرکت‌ها با اشکال حقوقی ثبت‌شده‌ی مختلف مصداق دارد. از این رو بازنگری و به‌روزآوری عمده‌ی قوانین حاکم بر شرکت‌ها حتی قانون شرکت‌های تعاونی نیز باید مورد نظر قرار گیرد.

۲) قوانین مالیاتی

قوانین مالیاتی یکی از موضوعات اثرگذار بر اجرای استانداردهای حسابداری در ایران است. به نظر می‌رسد در حوزه‌ی قوانین و مقررات موجود در کشور، قوانین مالیاتی در کنار قانون تجارت دارای بیش‌ترین اثر را بر اجرای استانداردهای بین‌المللی دارند. قوانین مالیاتی اعم از مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند نقشی غیرقابل‌انکار در بخش‌های مختلف در این راستا داشته باشند. در ادامه برخی موارد بااهمیت مرتبط با مالیات که نیازمند اصلاح یا تصویب قوانین جدید است ذکر می‌شود.

۱-۲) مالیات انتقالی

چنان‌چه در سال‌های آتی دامنه‌ی به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی از صورت‌های مالی تلفیقی فراتر رود، آثار بااهمیت «استاندارد مالیات بر درآمد» بر صورت‌های مالی و دفاتر قانونی، احتمالاً به ایجاد برخی مشکلات مالیاتی برای شرکت‌ها منجر خواهد شد. بخشی از این مشکلات به‌واسطه‌ی وضع قوانین جدید یا تعدیل و اصلاح قوانین جاری مرتفع خواهد شد و البته در کنار آن آموزش و آشنایی کارشناسان و مسئولان سازمان امور مالیاتی با «استاندارد مالیات بر درآمد» نیز می‌تواند به میزان قابل توجهی رفع مشکلات اجرایی را تسریع بخشد.

به‌طور خلاصه، طبق این استاندارد هزینه‌ی مالیات (هزینه‌ی مالیات جاری و مالیات انتقالی ناشی از تفاوت‌های موقت) در صورت سود یا



۳-۲ دفاتر قانونی

در ایران اظهارنامه مالیاتی و صورت مالی شرکت‌ها هر دو باید بر مبنای دفاتر قانونی ارائه شوند. بنابراین مبنای تهیهی دو گزارش متفاوت، با دو هدف کاملاً متفاوت، یک مجموعه‌ی اطلاعات (دفاتر قانونی) یکسان و مشترک است. محصول این اشتراک در انطباق کامل با هیچ کدام از استانداردها یا مواد قانونی نیست، بلکه ترکیبی از این دو است. به عنوان مثال، در شناسایی هزینه‌ی استهلاک به جای الزامات استاندارد حسابداری شماره‌ی ۱۱ از جداول مالیاتی مقرر استفاده می‌شود. این جداول در ماده‌ی ۱۴۹ قانون اصلاحی نیز به قوت خود باقی است. بنابراین به‌رغم اشاره به استاندارد حسابداری در متن ماده‌ی ۱۴۹ قانون مالیات‌های مستقیم، در پیش‌نویس مقررات و ضوابط اجرایی جدول استهلاکات کماکان نرخ‌ها، عمر مفید و روش استهلاک تابع این جداول است. بنابراین در سال‌های آتی نیز آن‌چه در صورت‌های مالی شرکت‌ها گزارش خواهد شد، لزوماً با استانداردهای حسابداری ایران و حسابداری بین‌المللی منطبق نخواهد بود.

یکی از انتظارات نادرست رایج توقع شمار قابل توجهی از حسابداران از یکسان‌بودن رویه‌های مقرر در قانون مالیات‌ها و الزامات استانداردهای حسابداری است و مغایرت بین استاندارد و قانون همواره مورد اعتراض ایشان بوده است، درحالی‌که اگر این دو یکسان باشند باید در کیفیت و اثربخشی هر دو تردید کرد. در واقع هیچ دلیلی برای یکسان‌بودن این دو وجود ندارد. متأسفانه این موضوع باعث شده در بسیاری از موارد گزارشگری مالی قربانی قوانین مالیاتی شود. در هر مقوله‌ای هدف، به‌عنوان اصلی‌ترین رکن، ادامه‌ی

مسیر را رقم خواهد زد. هدف قوانین مالیاتی اخذ مالیات بر اساس سیاست‌های اتخاذشده‌ی دولت و هدف اصلی گزارشگری مالی نیز آرایه‌ی اطلاعات سودمند برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان است. برای دستیابی به این اهداف، ابزارهای متفاوتی نیاز است و نمی‌توان با استفاده از مجموعه‌ی واحدی از اطلاعات، به اهداف متفاوت مالیاتی و گزارشگری مالی دست یافت. به عنوان مثال، ممکن است دولت در نظر بگیرد به منظور حمایت از صنایع مشوق‌های مالیاتی را به شرکت‌ها اعطا کند و در این راستا قانونی را به تصویب برساند که طبق آن دارایی‌های ثابتی با عمر مفید ۱۰ سال در یک فرایند شتاب‌دار طی دو سال اول به تمامی مستهلک شوند. با این قانون شرکت‌ها یک هزینه‌ی ده‌ساله را ظرف دو سال مستهلک می‌کنند و از منافع مالیاتی آن در سال‌های اولیه استفاده خواهند کرد. حال سؤال این جاست که چه بر سر گزارشگری مالی خواهد آمد؟ از آن‌جا که همان دفاتر قانونی که مبنای آرایه‌ی اظهارنامه است برای تهیه‌ی صورت‌های مالی نیز استفاده خواهد شد، پس از پایان سال دوم، عملاً دارایی

زیان و هم‌چنین بدهی به سازمان امور مالیاتی (ذخیره‌ی مالیات) در صورت وضعیت مالی به ترتیب بر اساس استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی منعکس می‌شوند و مابه‌تفاوت این دو تحت عنوان «بدهی یا دارایی مالیات انتقالی» ثبت شده و در بخش بدهی/دارایی غیرجاری منعکس می‌شود. کارشناسان و مسئولان رسیدگی به مالیات عملکرد شرکت‌ها ممکن است به دلیل عدم آشنایی و با استناد به نام آن سرفصل، بابت بدهی مالیات انتقالی در سال شناسایی آن، از مؤدیان مالیات مطالبه کنند، درحالی‌که حساب بدهی مالیات انتقالی در واقع مربوط به تفاوت‌های موقتی است که در ثبت‌های حسابداری سال‌های آتی برگشت خواهد شد. هم‌چنین در برخی حالات خاص ممکن است در صورت سود یا زیان، به‌جای هزینه‌ی مالیات، درآمد مالیاتی شناسایی شده و مسئولان مزبور این درآمد را مشمول مالیات بدانند. بنابراین نیاز به مجوز قانونی است که اخذ هرگونه مالیات ناشی از اجرای استاندارد مالیات بر درآمد در دفاتر و صورت‌های مالی شرکت‌ها از پرداخت مالیات معاف شود.

۲-۲ ابهام قوانین و بخش‌نامه‌های مالیاتی و رفتار سلیقه‌ای

ثبات قوانین مالیاتی، صراحت، شفافیت و یک‌پارچگی درونی بین متن و محتوای قانون مالیات‌ها و بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مالیاتی یکی از موارد مهم و مؤثر بر قابلیت اتکای آن دسته از عناصر صورت‌های مالی است که بر اساس استاندارد حسابداری مالیات بر درآمد شناسایی خواهد شد. در کشور ما تعداد بخش‌نامه‌های صادره که توسط سازمان امور مالیاتی لازم‌الاجرا می‌شوند قابل توجه است و از دیگر سو تعداد بخش‌نامه‌های مغایر

با متون قانونی که سالانه توسط دیوان عدالت اداری ابطال یا لغو می‌شوند کم نیست. مجموع این عوامل به ایجاد نوسان و تغییرات متعدد در سرفصل‌هایی نظیر دارایی و بدهی مالیات انتقالی و هزینه‌ی مالیات منجر خواهد شد. مانده‌ی این حساب‌ها در نهایت در ثبت‌های حسابداری آتی شرکت‌ها استفاده خواهد شد و با توجه به ابهام قوانین در این حد فاصل زمانی، قابلیت اتکا بر این اقلام به دلیل بی‌ثباتی قوانین و مقررات مالیاتی و برخورد چندگانه و بعضاً سلیقه‌ای برخی از کارشناسان و مسئولان مالیاتی با ابهام مواجه خواهد بود. این ابهام، در دارایی مالیات انتقالی که مرتبط با باز یافت منافع مالیاتی است مشهودتر بوده و مستلزم بررسی‌های ادواری است و چنان‌چه قابل باز یافت نباشد، باید کاهش داده شود. با توجه به موارد مذکور، می‌توان گفت که وجود قوانین و بخش‌نامه‌های مالیاتی با ثبات، هماهنگ و منسجم یکی از نیازهای اساسی است که پس از اجرای استانداردهای بین‌المللی بیش از پیش، نمایان خواهد شد.

پذیرد، علاوه بر مزایای دیگر تفاوت بین صورت‌های مالی جداگانه‌ی شرکت‌ها و صورت‌های مالی تلفیقی کمتر شده و فرایند تلفیق تسهیل می‌شود.

۲-۴) معافیت مالیاتی ارزش‌های منصفانه

یکی دیگر از موضوعات مهم، استفاده از ارزش‌های منصفانه و نگرانی‌های موجود در مورد استفاده از آن‌ها در صورت‌های مالی است. با توجه به این که در مرحله‌ی اول صرفاً صورت مالی تلفیقی بر اساس استاندارد بین‌المللی الزامی شده، شناسایی و اعمال ارزش‌های منصفانه در صورت‌های مالی منعی ندارد اما با گذشت زمان و گسترش دامنه‌ی استفاده از استانداردهای بین‌المللی در گزارشگری مالی اعم از صورت‌های مالی جداگانه و تلفیقی، فقدان قوانین و مقررات لازم که از مشکلات مالیاتی ناشی از به کارگیری ارزش‌های منصفانه به‌ویژه در ارتباط با درآمدهای شناسایی‌شده از این بابت، اجتناب کند بسیار محسوس و ملموس خواهد بود.

۲-۵) اعطای مشوق‌های مالیاتی

پیاده‌سازی و اجرای استانداردهای بین‌المللی با وجود مزایای محتمل قطعاً هزینه‌های مختلفی بر شرکت‌ها تحمیل خواهد کرد. هزینه‌های مزبور ممکن است به کاهش انگیزه‌ی شرکت‌ها در استفاده از این استانداردها منجر شود. تدابیری نظیر کاهش نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌ها و سایر این نوع تسهیلات مالیاتی می‌تواند تأثیری مثبت بر انگیزه‌ی شرکت‌ها داشته باشد. این گونه مشوق‌های مالیاتی زمانی که بحث پذیرش اختیاری دیگر شرکت‌ها (علاوه بر ناشران بزرگ) مطرح باشد می‌تواند نقش پررنگ‌تری داشته باشد.

۳) قوانین و مقررات مورد نیاز در حوزه‌ی ارزیابی و کارشناسی

با اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، حرفه‌ی ارزیابی و کارشناسی وارد فصل جدیدی خواهد شد. اجرای استانداردهای بین‌المللی به دلیل تأکید بر استفاده از ارزش‌های منصفانه، به‌شدت بر نقش ارزیابان و کارشناسان تأثیرگذار خواهد بود. بنابراین صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی تحت تأثیر قضاوت ارزیابان قرار خواهد گرفت. در درجه‌ی اول باید سازوکاری فراهم شود تا آموزش‌های لازم و تکمیلی به ارزیابان ارائه شود، همان‌طور که در مقالات قبلی نیز ذکر شد، لازم است تا دستورالعمل‌های مورد نیاز به‌عنوان راهنمایی برای ارزیابان تهیه

ثابتی که واقعاً وجود دارد و در حال انتفاع‌رسانی است، به‌طور گمراه‌کننده‌ای در ترازنامه‌ی شرکت گزارش نمی‌شود. هم‌چنین از آن‌جا که در دو سال ابتدایی هزینه‌ی استهلاک بیشتر و در هشت سال بعدی هزینه‌ی استهلاک کم‌تر شناسایی خواهد شد، صورت سود و زیان نیز به دلیل این هزینه‌های نادرست، تحریف خواهد شد. همان‌طور که از نظر گذرانیم، در این فرایند گرچه شرکت از مزایای مالیاتی استفاده کرد اما کیفیت گزارشگری مالی آن نیز کاهش پیدا کرد. با توجه به آن‌چه گفته شد، نویسنده‌ی این مقاله معتقد است زمان آن رسیده که اطلاعات مورد استفاده در گزارشگری مالی و اطلاعات مورد استفاده در اظهارنامه‌ی مالیاتی از یکدیگر تفکیک شوند. هیچ دلیلی برای استفاده از اطلاعات یکسان برای دو هدف متفاوت وجود ندارد. بنابراین دفاتر روزنامه و کل شرکت‌ها باید بر اساس استانداردهای حسابداری تحریر شوند. همین اطلاعات را می‌توان در دفاتر مالیاتی شرکت نیز ثبت کرد با این تفاوت که در مواردی که قانون روش متفاوتی تجویز کرده، از روش قانون تبعیت

کرد. بنابراین دفاتر حسابداری مبنای تهیه صورت‌های

مالی و دفاتر مالیاتی مبنای گزارش‌های مالیاتی مثل

اظهارنامه‌ها خواهد بود. این کار که هزینه‌ی

بالایی را به شرکت‌ها تحمیل نمی‌کند سبب

افزایش کیفیت گزارشگری مالی خواهد

شد. از این رو باید هر گونه قوانین و مقرراتی

که به استفاده از یک دفتر قانونی مشترک

برای مالیات و صورت‌های مالی منجر

شود با تمهیدی مناسب اصلاح شود و در

صورت لزوم تغییر باید تا شرکت‌ها اطلاعات

این دو مقوله را متناسب با این دو هدف مجزا و

با کمک سیستم‌های اطلاعاتی به صورت جداگانه

نگهداری کنند. سیستم‌های اطلاعاتی باید قادر به ارایه‌ی

گزارش‌های مجزا برای هر کدام از اهداف گزارشگری مالی و

مالیاتی بوده و از قابلیت تطبیق و مغایرت‌گیری بین این دو مجموعه از اطلاعات

برخوردار باشند. این تفکیک باعث می‌شود تا علاوه بر استفاده از مزایای

مالیاتی، کیفیت گزارشگری مالی نیز حفظ شود. هنگام اجرای استانداردهای

بین‌المللی مشکل پیش‌گفته بیش از پیش خودش را نمایان خواهد کرد. برای

مثال، استهلاک مندرج در صورت‌های مالی تهیه‌شده بر اساس استانداردهای

بین‌المللی نمی‌تواند بر مبنای قوانین مالیاتی باشد. بنابراین شرکت‌ها باید دو نوع

محاسبه‌ی استهلاک داشته باشند. قاعده‌تاً با توجه به قوانین فعلی، صورت‌های

مالی شرکت اصلی و اظهارنامه‌ی مالیاتی هر دو یکسان و تابع قوانین مالیاتی

در ارتباط با استهلاک دارایی‌های استهلاک‌پذیر و کاهش‌پذیر خواهند بود. از

طرفی، در صورت‌های مالی تلفیقی بر اساس استاندارد بین‌المللی از محاسباتی

که بر اساس استانداردهای حسابداری است استفاده خواهد شد. بنابراین اگر

تمهیدات و تعدیلات مناسب در قوانین مالیاتی (در مورد دفاتر قانونی) صورت



احتمال کاهش این هزینه‌ها پس از اجرای استانداردهای بین‌المللی بالا خواهد بود و از این رو نیاز است تا با الزام اندوخته‌های اجباری از تقسیم سودهای ناشی شده از این محل جلوگیری کرد.

۴-۲ تضاد بخش‌نامه‌ی اخیر بانک مرکزی در مورد شناسایی درآمد و استانداردهای بین‌المللی

بر اساس بخش‌نامه‌ی ۹۴/۲۵۸۰۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۹ روش تعهدی برای شناسایی درآمد تسهیلاتی که در طبقه‌ی مشکوک الوصول قرار گیرند، مجاز نیست. این موضوع در بخش‌نامه‌ی فوق به این شکل تصریح شده است: «به دلیل وجود تردید و ابهام بااهمیتی در خصوص وصول مطالباتی که بر اساس ضوابط مقرر در دستورالعمل طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری به طبقه‌ی مشکوک الوصول منتقل می‌شوند، از ابتدای دی ماه سال جاری، شناسایی درآمد این قبیل مطالبات (اعم از سود، وجه التزام تأخیر تأدین دین و کارمزد) متوقف و هر گونه شناسایی مجدد درآمد مزبور به رفع کامل ابهام یادشده (وصول وجه نقد) موکول گردد».

محتمل بودن ورود منافع اقتصادی و قابلیت اتکای آن در تمامی استانداردهای حسابداری تصریح شده است اما این امر به صورت قضاوتی و موردبه‌مورد خواهد بود نه به صورت یک حکم کلی برای همه، مشابه آن‌جه بانک مرکزی در این بخش‌نامه (یک‌نواختی مطلق) الزام کرده است. بنابراین هر چند که نگارنده نیز معتقد است الزامات این بخش‌نامه با توجه به وضعیت گزارشگری مالی بانک‌های ایران مناسب و معقول است اما این الزامات با مفاد استانداردهای بین‌المللی در تضاد است و باید برای آن فکری کرد.

۴-۲ صورت‌های مالی نمونه‌ی بانک مرکزی

در چند ماه اخیر صورت‌های مالی نمونه‌ی بانک مرکزی به بانک‌ها ابلاغ شده است. به‌رغم این که این صورت مالی به لحاظ افشا در سطح قابل قبولی قرار دارد، در پاره‌ای از موارد بااهمیت در حوزه‌ی صورت‌های مالی اساسی با استانداردهای بین‌المللی در تضاد است. اگر بخواهیم به سمت اجرای کامل استانداردهای بین‌المللی برویم، اضافه کردن یک صورت مالی اساسی به نام صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری ممکن نخواهد بود. از این رو شایسته است پس از فراگیر شدن استانداردهای بین‌المللی، صورت‌های مالی بانک مرکزی، مورد بازنگری قرار گیرد و صورت عملکرد سپرده‌های سرمایه‌گذاری را از دامنه‌ی صورت‌های مالی اساسی خارج شده و در یادداشت‌های همراه و سایر اطلاعات مکمل منعکس شود.

و تصویب شود تا ارزیابان بتوانند بر اساس آن ارزیابی‌های مستندتر و قابل اتکاتری انجام دهند. به‌علاوه، لازم است قوانینی به تصویب برسد تا دامنه‌ی مسئولیت کارشناسان و ارزیابان افزایش یابد. هم‌چنین لازم است نهادهای مرتبط با ارزیابان، از جمله کانون کارشناسان رسمی دادگستری و قوه‌ی قضاییه، کنترل کیفیت گزارش‌های ارزیابی را با جدیت بیش‌تری دنبال کنند تا شاهد تکرار درج ارقام و مبالغ اتکاناپذیر در صورت‌های مالی نباشیم. هم‌چنین به اعتقاد برخی صاحب‌نظران حرفه، برقراری نظارت مستقل بر نهادهایی مانند کانون کارشناسان می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر کیفیت ارزیابی‌ها داشته باشد. بنابراین لازم است در مورد برخی از مسایل مطروحه در این بخش، قوانین و مقررات را قانون‌گذاران به تصویب برسانند.

۴ (قوانین و مقررات بانک‌ها و مؤسسات مالی

به جرأت می‌توان ادعا کرد که به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در کشورمان بیش‌ترین اثر را بر گزارشگری مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خواهد داشت. اجرای صحیح این استانداردها در بانک‌ها، شفافیت صورت‌های مالی را به‌واسطه‌ی افشاهای سودمند استانداردهای بین‌المللی، بهبود می‌بخشد. بررسی حوزه‌ی قوانین و مقررات بانکداری که بر گزارشگری مالی مؤثرند می‌تواند شامل موارد زیادی باشد اما، به دلیل محدودیت‌های این مقاله، در ادامه به‌طور خلاصه به چند مورد بااهمیت اشاره می‌شود.

۴-۱ تعارض بخش‌نامه‌های مرتبط با ذخیره‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول و استانداردهای بین‌المللی

مهم‌ترین دارایی بانک‌ها، تسهیلات اعطایی آن‌هاست. این تسهیلات با توجه به بخش‌نامه‌های بانک مرکزی در طبقات چهارگانه منعکس شده و در نهایت برای این تسهیلات دو نوع ذخیره‌ی عمومی و خصوصی در نظر گرفته می‌شود. رویکرد بانک مرکزی برای اخذ این ذخیره‌ها یک رویکرد فرمولی و قاعده‌محور است که با رویکرد اصول محور و قضاوتی استانداردهای بین‌المللی هم‌خوانی ندارد. رویکرد کاهش ارزش مندرج در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره‌ی ۳۹۳ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری شماره‌ی ۹۹ رویکردی کاملاً متفاوت از رویکرد فعلی الزام‌شده‌ی بانک مرکزی ایران است که قطعاً نتایج حاصل از به‌کارگیری آن‌ها تفاوت‌های بااهمیتی در میزان هزینه‌ی مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها خواهد داشت. از این رو این بخش از الزامات و بخش‌نامه‌های بانک مرکزی نیاز به بازنگری جدی دارد. از طرفی، با توجه به تجارب بین‌المللی،



۴-۳) قانون پولی و بانکی

ماده‌ی ۳۶ و بخش‌هایی از ماده‌ی ۳۳ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ به شرح زیر است:

ماده‌ی ۳۳ - بند ج: نحوه و اصول حسابداری و دفترداری بانک‌ها را به نحوی که ترازنامه‌ی مربوط نشان دهنده‌ی کلیه‌ی دارایی‌ها و بدهی‌های بانک باشد شورای پول و اعتبار تعیین خواهد کرد و بانک‌ها موظف به اجرای آن خواهند بود.

ماده‌ی ۳۶ - طرز تهیه و تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از طرف بانک مرکزی ایران تعیین خواهد شد.

متن قانون فوق و مندرجات آن علاوه بر جامع و مانع نبودن، با نیازهای امروزی گزارشگری مالی با مقاصد عمومی همخوانی ندارد. صورت‌های مالی با اهداف عام باید مطابق با استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی باشد که مراجع قانونی تدوین استاندارد تهیه و تنظیم می‌کنند. استانداردهای بین‌المللی

را هیأت استاندارد حسابداری بین‌المللی^۵ تهیه و تنظیم می‌کند. پس از فراگیرشدن استانداردهای بین‌المللی

در سنوات آتی قاعدتاً بانک مرکزی نمی‌تواند آنچه را که در مواد ۳۳ و ۳۶ قید شده است

اجرای کند. از این رو به نظر می‌رسد مواد ۳۳ و ۳۶ قانون پولی و بانکی نیاز به بازنگری

و اصلاح دارد. هم‌چنین در مورد الزامات خارج از گستره‌ی گزارشگری مالی با

مقاصد عام، بانک مرکزی می‌تواند اطلاعات خاصی را با اهداف نظارتی و ... به هر شکلی

که صلاح می‌داند در فرمت و اطلاعات جداگانه از بانک‌ها بخواهد تا این اهداف خاص، صورت‌های

مالی با اهداف و مقاصد عام را تحت تأثیر قرار ندهد. به یاد داشته باشیم که در حال حاضر بخش عمده‌ای از بانک‌ها و مؤسسات

مالی در سایر کشورها گزارشگری مالی خود را بر اساس استانداردهای بین‌المللی انجام می‌دهند بدون آن که در فرایند گزارش‌دهی خاص آنها به بانک‌های مرکزی کشورشان خدشه‌ای وارد شود.

۵) قوانین بیمه‌ی مرکزی و مصوبات شورای عالی بیمه

یکی از مسائل مطرح در حسابداری و گزارشگری مالی شرکت‌های بیمه،

پی‌نوشت‌ها

۱- این که استفاده از این استانداردها منجر به افزایش و یا کاهش در سود شرکت‌ها می‌شود نیاز به تحقیقات تجربی جداگانه دارد که در حال حاضر با توجه به عدم اجرایی شدن استانداردها امکان پذیر نیست. آثار به کارگیری این استانداردها بر صنایع مختلف احتمالاً متفاوت بوده و در برخی صنایع منجر به افزایش سود، در برخی منجر به کاهش آن و در برخی دیگر بی‌اثر خواهد بود.

مصوبات شورای عالی بیمه است. نمونه‌ی بارز آن آیین‌نامه‌ی شماره‌ی ۵۸ است که در برخی موارد نظیر ذخیره‌ی خطرات طبیعی با استانداردهای حسابداری و تعاریف عناصر مندرج در چارچوب مفهومی همخوانی ندارد. این موضوع همواره به‌عنوان بند توضیحی در گزارش حسابرسی شرکت‌های بیمه به چشم می‌خورد. از آن‌جا که این موضوع بدیهی است شایسته است که، پس از اجرای استانداردهای بین‌المللی، این آیین‌نامه در موارد مقتضی متناسب با استانداردهای حسابداری اصلاح شود. از سوی دیگر، شورای عالی بیمه می‌تواند به طرق دیگر (مثل اجبار شرکت‌ها به اخذ اندوخته‌های الزامی) از خروج سود که یکی از هدف‌های اصلی این ذخیره به دلیل تقویت بنیه‌ی مالی است، جلوگیری کند. هم‌چنین با توجه به نقش پررنگ اکچوئری در استانداردهای بین‌المللی، شایسته است قوانین و دستورالعمل‌های بیشتری در این مورد به تصویب رسد. اکچوئری در بانک‌ها و بیمه‌ها دارای اثر بااهمیتی بر صورت‌های مالی خواهد بود. با توجه به محیط اقتصادی کشور و نوپا بودن اکچوئری در ایران و ابهامات موجود در نرخ تنزیل، این حوزه پرچالش خواهد بود که مستلزم توجه قانون‌گذاران است. اگرچه شورای عالی بیمه در این راستا آیین‌نامه شماره‌ی ۷۸ را منتشر کرده است، اما مشابه قوانین پیشنهاد شده در حرفه‌ی کارشناسی، در این حوزه نیز نیاز به قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های شفاف‌تر وجود دارد.

سخن آخر

وجود بستر قانونی مناسب، بی‌شک یکی از عوامل مؤثر بر اجرای استانداردهای بین‌المللی است. در این مقاله پیشنهاداتی در راستای ایجاد بستر قانونی برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی به قانون‌گذاران ارائه شد. برخی از آن‌ها ممکن است غیرمستقیم برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی مد نظر قرار گیرد اما نویسنده قصد دارد با اشاره به موارد گردآوری شده توجه قانون‌گذاران را به این موارد مهم جلب کند. طبیعتاً باید‌ها و نبایدهای قانونی موردنیاز بیش از آنچه در این مقاله به آن پرداختیم خواهد بود که به مرور زمان و با اجرای استانداردها نمایان می‌شود. امید است که با تعامل نهادهای قانون‌گذار، بستر قانونی هماهنگ و منسجمی برای استانداردهای بین‌المللی پدید آید. ■

۲- Share Based Payment – IFRS ۲

۳- IAS ۳۹

۴- IFRS ۹

۵- IASB